

مرد جوان وقتی تصمیم گرفت با دختر ۲۴ساله‌ای ازدواج کند همسرش را با خوراندن قرص پیرسج به قتل رساند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۵:۳۱ روز جمعه ۲۹ آذرماه اسما قاضی شعبانی،بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۵ رازی از مرگ مشکوک زن جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه در بیمارستان بهارلو با جسد زن ۲۰ساله‌ای به نام ربایه رویه‌رو شدند که حکایت از این داشت بر اثر مسمومیت دارویی به کام مرگ رفته‌است. شاهین، شوهر ربایه مدعی بود همسرش به خاطر بیماری و مشکلات روحی و روانی قرص و داروی گیاهی مصرف می کرده و به همین خاطر دچار مسمومیت دارویی شده و فوت کرده‌است، اما بررسی‌های مأموران نشان داد ربایه نه تنها هیچ داروی گیاهی مصرف نمی کرده که با شوهرش نیز اختلاف داشته‌است. در چنین شرایطی که مرگ زن جوان مشکوک به نظر می‌رسید مأموران دست به تحقیقات میدانی زدند که دریافتند شوهر ربایه به دوستانش گفته‌است که قصد دارد به خاطر اختلافات خانوادگی همسرش را به قتل برساند. همچنین مشخص شد شاهین از مدتی قبل با دختر جوانی به نام شکوفه رابطه دوستی دارد و به‌وی پیش‌انداز ازدواج داده‌است. بدین ترتیب مأموران به شاهین مشکوک شدند و وی را به عنوان مظنون به قتل بازداشت کردند.

متهم ابتدا در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به قتل همسرش اعتراف کرد و مدعی شد پس از اینکه با شکوفه آشنا

شده تصمیم گرفته‌است همسرش را به قتل برساند و بعد با شکوفه ازدواج کند.

در ادامه مأموران شکوفه را نیز بازداشت کردند. دو مهم صبح دیروز برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند.

■ **خبر نداشتیم خواستگارم همسر دارد**

شکوفه ۲۴ساله در بازجویی‌ها گفت: من لیسانس تجهیزات پزشکی دارم و مدتی است در رستورانی به عنوان صندوق دار کار می‌کنم. چهارماه قبل با شاهین آشنا شدم که پیشنهاد ازدواج داد. البته او به من نگفت که همسر دارد به همین خاطر به او جواب مثبت دادم. قرار بود بعد از ماه‌محرم و صفر همراه خانواده‌اش به خواستگاری‌ام بیاید، اما بهانه‌ای آورد و خواستگاری را به تاریخ دیگری موکول کرد. او مدعی شد که پس دایی و دختر دایی‌اش در حادثه فوت کرده‌اند و من باید ۴۰روز صبر کنم البته زنی هم با مادرم تماس گرفت و گفت مادر شاهین است و از مادرم خواست بعد از چهل‌م بستگانشان به خواستگاری‌ام بیایند که بعد فهمیدم آن زن مادر شاهین نبوده‌است. وی ادامه داد: ما به صورت تلفنی از صبح تا ۵ عصر با هم ارتباط داشتیم و از آن ساعت تا ساعت ۹ شب هم پیامکی با هم در ارتباط بودیم چون شاهین مدعی بود به خاطر اینکه صبح‌ها زود به محل کارش می‌رود شب‌ها زود می‌خوابد اما الان فهمیدم که شب‌ها پیش همسرش نمی‌خواسته با من حرف بزند.

مدتی گذشت تا اینکه به رفتارهایش مشکوک شدم و از او خواست درباره رفتارش به من توضیح بدهد تا اینکه آذرماه تلفنی به من گفت همسر دارد. پس از این خیلی ناراحت شدم و با داد و فریاد از او خواست

قتل در کمال شاهین

مرا فراموش کند اما شاهین می گفت عاشق من است و نمی‌تواند مرا فراموش کند و قصد دارد با من ازدواج کند. شاهین گفت به خاطر من قصد داشته سه‌بار همسرش را به قتل برساند اما موفق نشده‌است. او گفت یک بار درپچه‌های کولر با بسته و لوله بخاری را باز کرده تا همسرش دچار گازگرفتگی شود اما نقشه‌اش عملی نشده و بار دوم در غذایش سم ریخته اما همسرش به خاطر تلخ بودن غذا یک قاشق بیشتر از آن نخورده و مسموم نشده‌است و به همین خاطر بار سوم از دوستش خواسته با خودراش او را زیر بگیرد، اما او قبول نکرده و حتی راننده نیسانی را نیز اجیر کرده که او هم ترسیده بود و قبول نکرده بود.

شکوفه گفت: به هر حال ما با هم ارتباط داشتیم تا اینکه روز حادثه با من تماس گرفت و گفت همسرش

چند سالی داری و چه کاره هستی؟

۲۳سال سن دارم و با خودروام آب معدنی بین سوپر مارکت‌ها و رستوران‌ها پخش می‌کنم.

چطور با همسرت آشنا شدی؟

من و همسرم دختر عمو و پسر عمو بودیم و پنج‌سال قبل با هم ازدواج کردیم.

همسر ت چه کاره بود؟

او کارمند شرکت خصوصی بود.

چرا او را به قتل رساندی؟
ما هم اختلاف داشتیم و از نظر اخلاقی با هم جور نبودیم. او رفتارش با ما درم خوب نبوده به‌طوریکه ما درم به خانه‌مان رفت و آمد نداشت اما در عوض با خانواده خودش خوب بود.

یعنی به خاطر همین موضوع او را به قتل

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

قتل همسر برای ازدواج با دختر ۲۴ ساله

فوت کرده‌است و از من خواست خط تلفنم را عوض کنم تا برای من مشکلی پیش نیاد اما به من نگفت که خودش او را به قتل رسانده‌است. چند روزی گذشت و با هم ارتباطی نداشتیم که عکسی از خودش در واتساپ برای من فرستاد که نشان می‌داد با تعدادی قرص خودکشی کرده‌است. او در آن عکس از من خداحافظی کرد اما بعد متوجه شدم برادرش او را به بیمارستان رسانده و نجات پیدا کرده‌است. وی در قتل رسانده و الان که بازداشت شدم، فهمیدم. پس از این شاهین هم در بازجویی‌ها به قتل همسرش اعتراف کرد. دو متهم برای ادامه تحقیقات به دستور قاضی شعبانی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

رساندی؟

اشتباه کردم و الان پشیمان هستم.

وقتی با شکوفه آشنا شدی تصمیم گرفتی

همسر ت را به قتل برسانی؟

نه، ما از قبل با هم اختلاف داشتیم و به همین خاطر از رفتارهای همسرم خسته شده‌بودم و ارادت نداشتیم تا اینکه چهار ماه قبل وقتی برای عازره برادر شکوفه آب معدنی بردم با شکوفه آشنا شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. آن زمان اصلاً قصد قتل همسرم را نداشتیم.

شکوفه در بازجویی‌ها گفت که شما قبل از این هم سه بار تصمیم گرفته بودی همسرت را با روش‌های گوناگون به قتل برسانی؟



فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش به اوادم. بعد از آن بود که دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و فهمیدم که او کلاهبرداری بود. شاکی دیگر هم گفت: برای فروش خنلادم در یکی از سایت‌ها آگهی دادم. بعد از آن بود که مردی تماس گرفت و گفت که قصد خرید دارد. آن مرد بعد از بازدید ما ماشین قرار ملاقات گذاشتیم. بعد از ملاقات بود که متوجه شد من ازدواج نکرده‌ام برای همین بود که پیشنهاد ازدواج داد. او گفت که به من علاقه‌مند شده و دوست دارد که با هم ازدواج کنیم. من هم به او اعتماد کردم و خودرو و اسناد آن را برای

فروش رسانده‌است که شکایت دارم.

کارآگاهان پلیس بعد از بررسی شکایت‌های مطرح شده موفق شدند که سهراب را شناسایی و بازداشت کنند. او بعد از مواجه‌شدن با شاکیان به کلاهبرداری اعتراف کرد و گفت بعد از سرقت خودرو یا اسناد ملکی دختران جوان آن را در اختیار دو همدستش پژمان و لیلا قرار می‌داد و آنها اموال فروخته و پول آن را هم صرف خوشگذرانی می‌کردند. متهم گفت که از این راه ۲۰میلیارد تومان به جیب زده و همه پول‌ها را هم صرف خوشگذرانی کرده‌اند. با اطلاعاتی که سهراب در اختیار پلیس گذاشت مخفیگاه پژمان در آجودانیه شناسایی و او همراه لیلا بازداشت‌شده. مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک دستگاه خودروی بی‌مدیول ۵۲۸ کشف کردند.

سرهنگ کارآگاه جهانگیر تقی‌پور، معاون مبارزه با جرائم جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت گفت: در حال حاضر ۱۵ نفر از دختران، سهراب را شناسایی کرده‌اند. وی از کسانی که به این شیوه‌مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند درخواست کرد برای پیگیری یا تشکیل پرونده به اداره ۱۳ پلیس آگاهی پایتخت در خیابان وحدت‌اسلامی مراجعه کنند یا با شماره ۵۵۴۴۴۴۴۴۴۴ تماس بگیرند.

شده‌ام تا بگویم که از مأمور پلیس شکایت ندارم. او ناخواسته به سمت پدرم شلیک کرده‌است. پدرم مواد فروش بود و هزینه زندگی‌مان را از این راه تأمین می‌کرد. بعد از این حادثه کیوان بعد به خانه ما سر کشی کرد و هزینه‌های زندگی‌مان را هم تأمین کرد. ما وضع مالی خیلی بدی داشتیم و کیوان به ما توجه کرد. او بارها به مدرسه‌ام سر کشی کرده و گاهی هم من را برای تفریح بیرون برده‌است. از دادگاه می‌خواهم که برای این‌مأمور پلیس مجازاتی در نظر بگیرد و او را به زندان نبرد. اتهام خوبی است که نباید به زندان بروی چون که وظیفه‌اش را انجام داده و گلوله‌ای هم که شلیک کرده برای کشتن پدرم نبوده‌است. می‌دانم که قصدش این بود که پدرم را

با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت پول و طلاهای سرقت شده کشف و به شاکی تحویل داده شد.

سرهنگ کارآگاه بهزاد اختیاری، رئیس پایگاه‌هشتم پلیس آگاهی پایتخت گفت: دو متهم بعد از کامل شدن تحقیقات به دستور قاضی روان زندان شدند.



دفن کردن پول و طلاهای سرقتی در پارک

دو سارق که بعد از دستبرد به خانه زن همسایه پول و طلاهای سرقت شده را در پارک دفن کرده بودند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، ۱۳۳آذرماه اسما بود که زنی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش سرقت را اعلام کرد. او گفت: لحظاتی قبل وقتی وارد خنلادم شدم متوجه شدم که دزد به خانه زده و پول و طلاهایم را به ارزش ۵میلیون تومان سرقت شده‌است. بعد از انجام تحقیقات اولیه پرونده به دستور دادیار شعبه چهارم دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۵ در اختیار کارآگاهان پایگاه‌هشتم پلیس آگاهی قرار گرفت.

در جریان تحقیقات میدانی پلیس مشخص شد که ساعت ۲۱شب حادثه یکی از همسایه‌ها به همراه مردی جوان با کلید وارد خانه شاکی شدند و ۲۰دقیقه بعد هم در محل را ترک کرده‌اند. بعد از دست آمدن این اطلاعات بود که متهمان شناسایی و بازداشت شدند. یکی از متهمان که امیر نام داشت



درخواست قصاص برای ۳پسر عمو

سه پسر عمو که متهم هستند در جریان نزاع مرگ تکب قتل شده‌اند با درخواست قصاص از نسوی اولیای دم مواجه شدند.

به گزارش جوان، یکی از روزهای اسفندسال ۹۵ بود که مأموران کلانتری خانی‌آبادنو از حادثه خونین در محله خانی‌آباد با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که پسر ۲۸ساله به نام امیر به قتل رسیده و یکی از دوستانش که احسان نام داشت با شلیک گلوله زخمی و به بیمارستان منتقل شده‌است.

در تحقیقات بیشتر پلیس مشخص شد که عاملان حادثه سه پسر عمو به نام‌های جواد، جعفر و مهدی هستند که هر سه بازداشت‌شدند. جواد در شرح ماجرا گفت: من و برادرم جعفر و پسر عمویمان مهدی از مدت‌ها قبل با امیر که بچه‌محل‌مان بود اختلاف و درگیری داشتیم. روز حادثه در حال عبور بودیم که با امیر و دوستانش احسان مواجه شدیم و به آنها حمله کردیم. وقتی دعویامان بالا گرفت آنها را با ضربات قمه و چاقو هدف قرار دادیم. در آخر هم احسان را با شلیک گلوله زخمی و از محل فرار کردیم.

با کامل شدن تحقیقات، باز پرس سه پسر عمو را به اتهام مشارکت در قتل مجرم شناخت و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح روز شنبه بعد از اینکه نماینده دادستان رسمیت جلسه را اعلام کرد اولیای دم گفتند که برای سه پسر عمو درخواست قصاص دارند.

در ادامه احسان که در جریان حادثه زخمی شده‌بود، گفت: متهمان، من را با شلیک گلوله زخمی کردند. آنها با امیر اختلاف داشتند و روز حادثه هم با قمه و اسلحه حمله کردند و امیر را کشتند. من را هم با گلوله زخمی کردند که برایشان درخواست اشد مجازات دارم. سپس جواد در جایگاه قرار گرفت و اتهام قتل را انکار کرد. متهم در حالی که در بازجویی‌ها به قتل امیر و زخمی کردن احسان اعتراف کرده‌بود، گفت: من، احسان را نمی‌شناسم و قبلاً هم او را ندیده‌بودم. متهم ادامه داد: آن روز مهدی، پسر عمویم تماس گرفت و گفت که دعویای در محل اتفاق افتاده‌است که خودم را رساندم. دعوا بین چند پسر جوان اتفاق افتاده بود که من هم چند سنگ به طرف دعوکنندگان پرتاب کردم. متهم ادامه داد: ما در خانه‌مان مهمان داشتیم و مشغول رسیدگی به مهمان‌ها بودیم که مأموران به خانه‌مان ریختند و مهمان‌های‌مان را بازداشت کردند. من و برادرم و پسر عمویم هم قتل را گردن گرفتیم تا مهمان‌ها آزاد شوند که این کار را کردیم!

سپس برادر متهم در جایگاه قرار گرفت و حرف‌های برادرش را تأیید کرد. او گفت: ما در حادثه نقشی نداشتیم و حرف‌هایی را که هم قبلاً اعتراف کرده‌ایم، قبول نداریم. سپس مهدی در جایگاه قرار گرفت و اتهام‌های خودش را انکار کرد. او گفت: من امیر را می‌شناختم و با او هم دشمنی نداشتیم و نمی‌دانم که چه کسی او را کشته‌است. او گفت: احسان را هم نمی‌شناسم و نمی‌دانم که چطور زخمی شده‌بود!

هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

شلیک مرگبار به پسر جوان

بررسی می‌شود

مأموران پلیس تهران تحقیقات درباره مرگ پسر جوانی که با شلیک اسلحه در خانه‌شان به طرز مشکوکی کشته شده‌است، آغاز کردند.

به گزارش جوان، بعدازظهر روز شنبه بیست و هشتم دی‌ماه مردی با اداره پلیس تماس گرفت و گفت پسرش در خانه‌شان حوالی یکی از خیابان‌های جنوبی تهران با شلیک گلوله کشته شده‌است. با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه راهی محل حادثه شدند. مأموران در محل حادثه اسلحه‌ای را کنار جسد پسر ۲۰ساله کشف کردند که مشخص شد گلوله شلیک شده از همان اسلحه به سر وی

از اصابت کرده‌است. مرگ پسر جوان مشکوک به نظر می‌رسید، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. پدر پسر فوت شده در ادعایی به تیم جنایی گفت: پسرمدتی بود با من اختلاف پیدا کرده بود. او گاهی به محل کارم در بازار میوه و تره‌بار می‌آمد و تهدید می‌کرد که با اسلحه به زندگی‌اش پایان می‌دهد، اما من هرگز تهدیدهای او را باور نمی‌کردم. امروز من و همسرم برای انجام کاری از خانه بیرون رفتیم اما پسرم در خانه‌مان. وقتی به خانه برگشتیم با صحنه هولناکی روبه‌رو شدیم که حکایت از این داشت پسرمان با اسلحه به زندگی‌اش پایان داده‌است. پس از آن بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس و اورژانس اطلاع دادیم.

هم‌زمان با ادامه تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه بازپرس ویژه قتل دستور داد جسد پسر فوت شده برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شود.

پلمب ۴قهوه‌خانه در شرق پایتخت

معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس پایتخت از پلمب چهار قهوه‌خانه در طرح برخورد با قهوه‌خانه‌های غیرمجاز خبر داد.

به گزارش جوان، سرهنگ نادر مرادی توضیح داد: در راستای ارتقای امنیت اجتماعی، طرح تشدید اقدامات کنترلی و نظارتی در تهران مأموران معاونت نظارت بر اماکن عمومی پلیس پایتخت طرح برخورد با قهوه‌خانه‌های غیرمجاز را اجرا کردند.

وی ادامه داد: در جریان بازدید از ۲۵قهوه‌خانه به ۱۶واحد صنفی تذکر داده و چهار واحد دیگر نیز به دلیل عدم رعایت ضوابط و قوانین صنفی پلمب شد. این واحدهای صنفی بیشتر در مناطق مسکونی احداث شده بود و زمینه ناآرامی شهر و ندان را فراهم کرده‌بود. سرهنگ مرادی در پایان با اشاره به اینکه این طرح در تهران همچنان ادامه دارد، خاطر نشان کرد: شهروندان در صورت اطلاع از فعالیت غیرمجاز قهوه‌خانه یا کافی‌شاپ‌ها در سطح شهر مراتب را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس در میان بگذارند.